Explaining the Safavid government›s cultural approach to the highest shrines

Mohammad Bagher Khazaili[1]

Abstract

The Safavid government considered the core of Shia spirituality to be the love of the Ahl al-Bayt, and by developing and honoring the position of the highest shrines in the eyes of the Shias, they tried to expand the Shia religion and culture for their own benefit. In this research, we are looking for an answer to the question, what is the cultural position of the highest shrines in the Safavid government, and what was the attitude of the kings of this government towards these holy places? The Safavid kings who introduced themselves as descendants of Imam Musa Kazem (a.s.) and chose the Shia religion and mixed religious and political leadership, Most of all, they rushed to visit shrines at every opportunity and benefited from visiting these places and special religious practices. In the field of burying the dead and civil reconstruction, tombs were of particular interest to the Safavid kings. Shah Ismail I founded Mashhad Kazemin and Shah Tahmasb paid most of his attention to the holy shrine of Karbala and Shah Abbas I did not fail to do any service to Amir al-Mu›minin, and then Shah Safi continued their path and completed the half-finished actions of the kings before him. Also, from the aspect of cultural approach, the findings of the research show that the Safavids in order to attract the hearts of Shiites and gain their support, establishing strong and deep-rooted links between the land and history of Iraq and the beliefs of the Iranian nation, spreading the Shia religion and putting pressure on the Ottoman government and the promotion of Shia culture in this land did not neglect any religious and cultural activities. Of course, the personal beliefs of the pious Safavid kings should be taken into account in relation to pilgrimage cities. The current research is organized by descriptive-analytical method and relying on library studies.Key words: strategic planning, religious tourism, blessed monuments, swot technique.

Key words: Safavid government, highest shrines, pilgrimage, burial of the dead.

1. PhD in History and Lecturer of Islamic Studies Center, Isfahan University of Technology, Isfahan, Iran. M.khazaili@yahoo.com

فصل نامه علمی مطالعات بقاع و اماکن متبرکه
العالم الاول | العدد ١ | الربيع ١٤٤٥

القاء الضوء على النهج الثقافي للحكومه الصفويه تجاه العتبات المقدسه

محمد باقر خزائيلى[١]

الخلاصه

اعتبرت الحكومه الصفويه أن جوهر الروحانيه الشيعيه هو حب أهل البيت عليهم السلام وذلک من خلال تطوير وتقدير مكانه العتبات المقدسه في نظر الشيعه، حيث حاولوا تكريس الدين و الثقافه الشيعيه لمصلحتهم الخاصه. ندرس في هذا البحث عن إجابه لسؤال ما إذا كانت للمراقد المقدسه مكانه ثقافيه في الدوله الصفويه، و ماذا كان موقف ملوك هذه الحكومه تجاه هذه الأماكن المقدسه؟ الملوك الصفويون الذين عرّفوا عن أنفسهم بأنهم من نسل الإمام موسى كاظم عليه السلام و اختاروا المذهب الشيعي و جمعوا بين القياده الدينيه و السياسيه، كان الأهم من ذلك كله فانهم يسارعون إلى زياره الأضرحه في كل فرصه و كانوا يستفيدون من زياره هذه الأماكن و الشعائر الدينيه الخاصه. في مجال دفن الموتى و العمران المدني، كانت المقابر ذات أهميه خاصه للملوك الصفويين حيث أسس الشاه إسماعيل الأول مشهد الكاظمين عليهما السلام، وكان الشاه طهماسب قد أولى جل اهتمامه لكربلاء المقدسه، و الشاه عباس الأول لم يهمل أي خدمه لعتبه أمير المؤمنين عليه السلام، ثم واصل الملک صفي طريقهم و اكمل الاعمال الناقصه لسلفه من الملوک. و من ناحيه النهج الثقافي أيضاً، تظهر نتائج البحث أن الصفويين، في سبيل جذب قلوب الشيعه و كسب تأييدهم، أقاموا روابط قويه و عميقه الجذور بين أرض العراق و تاريخ العراق مع معتقدات الأمه الإيرانيه و نشر الدين الشيعي و الضغط على الحكومه العثمانيه و نشر الثقافه الشيعيه و لم يهمل أي نشاط ديني و ثقافي في هذه الأرض. و بطبيعه الحال، ينبغي أن يؤخذ في نظر الاعتبار المعتقدات الشخصيه للملوك الصفويين المتدينين فيما يتعلق بالمدن الحاويه على المراقد المقدسه. تم تنظيم البحث الحالي المنهج الوصفي التحليلي بالاعتماد على الدراسات المكتبيه.

الكلمات المفتاحيه: الدوله الصفويه، العتبات المقدسه، الزياره، دفن الموتى.

١. دكتوراه في التاريخ ومحاضر في مركز الدراسات الإسلاميه، جامعه أصفهان التكنولوجيه، أصفهان، إيران.
M.khazaili@yahoo.com

تبیین رویکرد فرهنگی حکومت صفوی به عتبات عالیات

مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

محمدباقر خزائیلی[۱]

چکیده

حکومت صفوی هسته اصلی معنویت تشیع را حب اهل‌بیت می‌دانست با توسعه و تکریم جایگاه عتبات عالیات در نزد شیعیان در جهت گسترش مذهب و فرهنگ شیعه به نفع خود می‌کوشید. در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که عتبات عالیات از جایگاه فرهنگی در حکومت صفوی برخوردار است و شاهان این حکومت چه رویکردی نسبت به این اماکن مقدس داشتند؟ شاهان صفوی که خود را از نسل امام موسی کاظم﵇ معرفی، و مذهب تشیع را برگزیده و رهبری دینی و سیاسی را با هم آمیخته بودند، بیش از همه در هر فرصتی به زیارت عتبات می‌شتافتند و از زیارت این اماکن و اعمال مذهبی خاص بهره می‌بردند. در زمینه دفن اموات و بازسازی عمرانی نیز عتبات موردتوجه خاص شاهان صفوی بودند. شاه اسماعیل اول مشهد کاظمین را بنا نهاد و شاه طهماسب بیشترین توجه خود را به اعتاب مقدس کربلا معطوف نمود و شاه عباس اول از هیچ خدمتی به آستان امیرالمؤمنین کوتاهی نکرد و سپس شاه صفی راه آن‌ها را ادامه داد و اقدامات نیمه‌کاره شاهان پیش از خود را تکمیل نمود. همچنین از بُعد رویکرد فرهنگی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد صفویان در جهت جلب قلوب شیعیان و کسب حمایت آن‌ها، برقراری پیوندهای مستحکم و ریشه‌دار میان سرزمین و تاریخ عراق با اعتقادات ملت ایران، گسترش مذهب تشیع و تحت‌فشار قراردادن دولت عثمانی و تبلیغ فرهنگ شیعی در این سرزمین از هیچ اقدام مذهبی و فرهنگی غفلت نمی‌نمود. البته در رابطه با شهرهای زیارتی اعتقادات شخصی شاهان متدین صفوی را باید مدنظر داشت. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای سامان یافته است.

کلیدواژه‌ها: حکومت صفوی، عتبات عالیات، زیارت، دفن اموات.

۱. دکتری تاریخ و مدرس مرکز معارف اسلامی دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، ایران.
M.khazaili@yahoo.com

فصل نامه علمی مطالعات بقاع و اماکن متبرکه

مقدمه

مشروعیت بخشیدن به مذهب حاکم همواره یکی از دغدغه‌های دولت‌ها بوده است، چنانچه در طول تاریخ بیشترین سلاطین و حکام مسلمان که قدم به سرزمین عراق نهادند در جهت توجیه اقدامات جاه‌طلبانه و ستمگرانه خود و مشروعیت بخشیدن به حکومت خودکامه عامیانه خویش کوشیده‌اند تا با اقدامات عمرانی، بازسازی و زیارت از اماکن مقدس اعتقادات مذهبی خویش را آشکار نمایند. بدون تردید شهرهای زیارتی یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش مذهب در جهان اسلام به شمار می‌آیند. چنانچه اماکن مقدس از جمله شهرهای زیارتی عراق نقش مهمی در حفظ وحدت و حمایت از ادعای شیعیان مبنی بر حقانیت مذهب تشیع داشته و همواره در طول تاریخ پشتوانه اعتقادی و معنوی محکمی برای آنان بوده است. از این رو این شهرها، محور و کانونی برای اجتماع شیعیان و شکل‌گیری نخستین حوزه‌های علمیه آن‌ها و مهم‌تر از آن امتداد بخش مبارزات آن‌ها علیه دشمنان و مخالفان خویش بوده است. براین اساس پدیده اختیار مذهب تشیع و گسترش آن در میان مسلمانان و به‌ویژه قبایل کوچ‌نشین در عراق عرب، ایران، آسیای صغیر و خاک امپراتوری عثمانی نتیجه مستقیم فعالیت مبلغین و خطبای شیعه بوده است که از شهرهای مقدس، نجف، کربلا، سامرا و کاظمین به‌سوی آن‌ها می‌رفتند.

شهرهای زیارتی عراق به‌عنوان مظهر و نماد عالم تشیع همواره نقش و جایگاه مهمی در حفظ حیات و گسترش مذهب تشیع در طول تاریخ داشته‌اند. تا آنجا که می‌توان نقش و اهمیت آن‌ها را در ردیف کلیسای روم در آیین مسیحیت و کعبه در دین اسلام قرارداد. از این شهرها به‌عنوان کعبه دوم شیعیان نام برده شده، هر چند پیشینه اهمیت و تأثیرگذاری این آستانای مقدس بر حفظ و گسترش مذهب شیعه بسیار فراتر از عصر صفوی بوده، اما پاره‌ای از این عوامل در این زمان سبب شد تا این اعتبات مقدس جلوه و درخشندگی بیشتری یافته و از هر نظر به اوج شکوه و عظمت تاریخی خویش دست یابد. بر این اساس در پژوهش حاضر در پی واکاوی اقدامات و رویکرد فرهنگی شاهان صفوی نسبت به عتبات عالیات هستیم.

۱- نقش عتبات عالیات در گسترش مذهب تشیع

پیوندهای قومی و قبیله‌ای که از گذشته میان دو سرزمین ایران و عراق برقرار بوده با تأسیس حکومت صفوی و رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران و همچنین با ادعای سلاطین صفوی مبنی بر انتساب به امام موسی کاظم(ع) شیعیان نزدیکی و پیوند معنوی دو سرزمین کهن گردید و از سوی دیگر با ایجاد نوعی نژاد عربی برای سلاطین صفوی سبب مشروعیت و محبوبیت حکومت آنان در عراق عرب شد. (الخلیلی، ۱۴۰۷: ۲۱۴)

توجه به عتبات از همان ابتدا مدنظر حکومت صفوی بوده است. شاه اسماعیل اول بلافاصله پس از فتح عراق عرب (۹۱۴ ق) و پیش از تسلط کامل بر امور به زیارت عتبات شتافت و از توسل و تمسک به ائمه اظهار خشوع و خضوع در برابر آن‌ها، نهایت بهره برداری را نمود. در واقع این شهرهای زیارتی مکمل و پشتیبان معنوی محکمی برای شاه صفوی در جهت گسترش دادن و رسمیت بخشیدن به

مذهب تشیع بودند، با این تفاوت که شاه قزلباش در بسیاری از شهرهای سنی‌نشین به‌وسیله سر نیزه و ایجاد ترس و ارعاب مردم را مجبور به پذیرش مذهب تازه خود می‌کرد؛ ولی عتبات با توجه به جذابت و آماج برخاسته از معنویت و حقانیت خود به گسترش تشیع کمک می‌نمود. هر چند به زودی پس از مرگ اسماعیل اول این شهرها از قلمرو صفوی متنزع و به خاک عثمانی ضمیمه شد، اما سیاست مذهبی دولت صفوی تغییر ننموده و شاه طهماسب متعصب با کمک روحانیت شیعه نهایت تلاش خود را در جهت گسترش مذهبی تشیع می‌نمود. حداقل تفاوت ممکن این بود که جای عتبات را فرهنگ عامه مردم ایران عتبه مطهر مشهدالرضا گرفته بود و امواجی که تا آن زمان از غرب به شرق می‌آمد با تبلیغ و توسعه بسیار آستان امام رضا در زمان شاه عباس اول از شرق تا غرب حرکت می‌نمود. با این وجود اماکن مقدس سرزمین عراق در رأس همه آن عتبه امیرالمؤمنین در نجف هرگز جایگاه و اهمیت خود را در حمایت از شیعیان حفظ روند رو به رشد مذهب تشیع نه تنها در عراق و ایران بلکه در هند و افغانستان و خاک امپراتوری عثمانی از دست نداد. (نفیسی، ۱۳۸۷: ۳۲)

حوزه علمیه مورد حمایت و توجه شاهان صفوی مخصوصاً شاه عباس اول قرار گرفت و از قدرت و نفوذ بسیاری برخوردار شد و انعکاس آن به سراسر جهان اسلام رسید. شاه عباس اول در سال ۱۰۳۲ ق. فاتحانه وارد عراق گردید و چون قصد داشت عراق را به یک سرزمین یک دست شیعی تبدیل نماید در تعظیم و تکریم عتبات شیعی بسیار کوشش نمود. شیعیان مورد محبت و عنایت شاه بزرگ قرار داشتند حتی در ماه مبارک رمضان کل شیعیان ممالک از تکالیف دیوانی معاف گشتند. (ترکمان، ۱۳۷۱،ج ۳: ۱۱۰۴) اما هیچ چیز به اندازه خدمات و تلاش‌های علما و متولیان اماکن مقدس که در تحت حمایت شاهان صفوی از آزادی عمل برخوردار و از تقیه خارج شده بودند در گسترش مذهب تشیع در این برهه از زمان مؤثر نبود. هر چند در نهایت کشتارهای سلطان مراد چهارم (۱۰۴۸ ق) از شیعیان و زائران اماکن مقدس در عراق سبب تحکیم حکومت عثمانی در عراق و تسلط استیلای اهل‌سنت بر امور گردید و شیعیان بار دیگر به تقیه روی آوردند، اما همچنان مذهب تشیع در این سرزمین حفظ گردید و شهرهای مقدس عراق که محل سکونت شیعیان بود به مرکز مقاومت و آشوب شیعیان علیه سران ترک تبدیل شد. (نفیسی، ۱۳۸۷: ۳۲- ۳۳)

۲. سفرهای شاهان صفوی به عتبات

زیارت به معنای دیدار کردن و قصد و آهنگ چیزی نمودن و به‌عنوان یک سنت پسندیده و ارزشمند همواره در میان مسلمانان متداول بوده است و از سوی امامان و پیشوایان دینی آن‌ها نسبت به آن تأکید و سفارش شده است به‌ویژه هنگامی که قصد زیارت دیدار یکی از بزرگ‌ترین و برگزیده‌ترین بندگان خداوند باشد برای آن ثواب و پاداش بزرگی قرار گرفته است. (ابن قولویه، ۱۳۸۴: ۲۳- ۲۴) به این جهت سنت زیارت از عتبات عالیات که قبور نوادگان پیامبر است، در میان مسلمانان جهان به‌ویژه شیعیان رواج و رونق خاصی داشته و مخالفت دولت‌ها هم نتوانسته از اهمیت آن بکاهد. با این وجود رواج و رونق سنت زیارت بستگی به عوامل چند از جمله وجود امنیت، امکانات و توانایی اقتصادی و شرایط سیاسی، فرهنگی حاکم بر جوامع دارد و به این سبب پس از تهاجم مغولان و پس از امیر تیمور و آن همه ویرانی و کشتار به نوعی به فراموشی سپرده شد. در

این میان شاهان صفوی که خود را از نسل امام موسی کاظم﵇ معرفی و مذهب تشیع را برگزیده و رهبری دینی و سیاسی را با هم آمیخته بودند، بیش از همه در هر فرصتی به زیارت عتبات می‌شتافتند و از زیارت این اماکن و اعمال مذهبی خاص آن‌ها فایده را بردند.

در بررسی سفرهای زیارتی شاهان صفوی اولویت با زیارت مشهد امام رضا﵇ بود که تقریباً در میان تمامی شاهان صفوی عمومیت داشته است؛ اما تن‌ها چهار تن از آن‌ها بود که با تردید به زیارت اماکن مقدس عراق مشرف شده‌اند. نخست سفر شاه اسماعیل اول بنیان‌گذار سلسله صفوی که به دنبال سفرهای نظامی خود به عراق، در جمادی‌الآخر سال ۹۱۴ ق. و به بهانه زیارت از این شهرها انجام گرفت. او بلافاصله به زیارت آستان حرم مطهر امام حسین﵇ در کربلا شتافت. «... و بعد از وصول بدان مشهد عطرآسا و مرقد جنت آسا شرایط زیارت چنانچه باید و شاید مدعی روی نیز به آن خاک پاک سود و به زبان مناجات عرض حاجات کرده...». (خواندمیر، ۱۳۳۳، ج۴: ۴۹۴)

شاه اسماعیل یک شب در حرم مطهر امام حسین﵇ معتکف شد و تمامی مجاوران و زوار آن حضرت را مورد لطف و بخشش قرارداد. پس از آنجا عزم زیارت عتبه مقدسه امام علی﵇ در نجف نمود. «و در آن حریم واجب‌الاعزاز که کعبه اهل‌دل راز و سجده گاه ارباب نیاز است روی اخلاص بر زمین سوده مرادی که داشت از واهب‌العطیات مسئلت کرد». (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۴۹۵)

شاه اسماعیل در بازگشت از بغداد، به زیارت آستان کاظمین﵈ مشرف شده و «آنگاه به سامرا خرامید و به سعادت زیارت عتبه کعبه مرقبه قدوه اولاد رسول امی‌هاشمی امام علی النقی و امام حسن العسکری الزکی﵈ استسعاد یافت». (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۴۹۵)

پس از فوت شاه اسماعیل اول (۹۳۰ ق) مدت ده سال دیگر، این شهرها جزئی از سرزمین ایران بود. طهماسب صفوی (۹۳۰ – ۹۸۴ ق) که پادشاهی متدین و متعصب در امور مذهبی بود در گسترش امور دینی سعی بسیار می‌نمود، در سال‌های نخستین سلطنت خود به علت مشکلات داخلی و خارجی فرصت زیادی برای پرداختن به زیارت نداشت. سفرهای زیارتی او به خراسان (۹۳۴ ق) و (۹۳۹ ق) به دنبال لشکرکشی نظامی او به شرق علیه ازبکان صورت گرفت، در غرب نیز او یک بار در سال‌های نخستین سلطنت خود ناگزیر به لشکرکشی به عراق عرب گردید. شاه طهماسب در سال (۹۳۵ ق) برای سرکوب شورش ذوالفقار خان حاکم بغداد وارد این شهر شد و پس از نظم بخشیدن به امور با «احترام زیارت مشهد مقدس کاظمه فی راقدها الف الف سلام سلام و تحیه بسته، بعد از استسعاد بدان سعادت مراجعت فرمودند». (الحسینی قمی، ۱۳۵۹، ج۱: ۱۹۰)

هر چند شاه طهماسب در این سفر نظامی خود به عراق قصد زیارت عتبات را نداشت و به علت مشکلات داخلی و خارجی مجبور بود تا هر چه سریع‌تر به ایران باز گردد، اما احتمالاً در این سفر نظامی موفق به زیارت اعتاب مقدس عراق گردید. مؤلف عالم آرای شاه طهماسب می‌نویسد: «شاه دین‌پناه پس از تسخیر عراق عرب و زیارت حضرات رایات آفتاب اشراق به اطراف عراق عجم برافراخت». (عالم آرای شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۱۶۵)

پس از شاه طهماسب نوبت به شاه عباس اول بزرگ‌ترین پادشاه صفوی بود تا از زیارت‌های مکرر و پرآوازه خود بر آستان مقدس امام رضا﵇ در شمال شرق ایران و هم‌جوار با مرزهای ازبکان سنی‌مذهب و همچنین اماکن مقدس عراق و هم‌جوار با دولت عثمانی نهایت بهره‌برداری سیاسی،

فرهنگی و اعتقادی را بنماید. چنانچه سیاست تمرکزگرایی شاه عباس اول در کنار کلیه اقداماتی که تحت عنوان اصلاحات از آن یاد می‌شود به‌ناچار می‌بایست به وجه دینی شاه نیز توجه کند و فراتر از باور شخصی، به آن تظاهر نماید. بر این اساس سفرهای زیارتی به‌عنوان یکی از اعمال مذهبی در این دوره به اوج رسید. (رنجبر، ۱۳۸۲: ۱۵۵)

شاه عباس اول در آغاز سال ۱۰۳۳ ق. نیت زیارت از آستان حضرت علی﵇ در نجف را بهانه فتح عراق عرب قرارداد و موفق گردید. او در مدت توقف در بغداد برای تسلط به اوضاع مرتب به زیارت مراقد کاظمین می‌رفت و به زیارت سامرا نیز مستعد گردید. یک ماه پس از آن روی توجه به زیارت نجف اشرف آورد و در تمام مسیر اشتیاق و شیفتگی فوق‌العاده خود را به این امام همام به نمایش گذاشت که مورخان عصر صفوی به طور مفصل به شرح آن پرداخته‌اند. شاه در یک منزلی حرم از اسب پیاده شد و «با جهان شوق و عالم بااخلاص پیاده قدم در راه نهاد و در کمال ذوق و وفور شوق طی مسافت نمود و به شرف خاک‌بوسی آن عتبه علیه مشرف شدند و تا ده روز در آن سده سینه به مراسم دعا و زیارت اقدام نموده به خدمت جاروبکشی آن روضه بهشت‌آسا مشغولی داشتند و به نظم و نسق آن سرکار فیضی آثار قیام نمود...». (ترکمان، ۱۳۷۱: ۱۰۰۵)

شاه در مدت ده روز توقف در نجف خشوع و خضوع بی حد خود به آن حضرت را آشکار و «جمیع خدمه و مجاورین روضه مقدس و کل مستحفظین و عورات و ضعف خطه نجف را علی قدر مراتبهم با درارت و نذور و تصرفات نوازش فرموده و از آنجا احرام حریم ارض مقدس کربلا حائر مطهر حضرت شاه شهید اثاث ائمه‌الهدی خامس آل عبا بسته متوجه طواف آن روضه ملائکه مطاف شدند». (ترکمان، ۱۳۷۱: ۱۰۰۵) زیارت شاه عباس از این اماکن مقدس یادآور زیارت جد او شاه اسماعیل اول است. او از هیچ چیز در این زمینه کوتاهی نکرد و پس از گذراندن نوروز سال ۱۰۳۲ ق. در آستان امام حسین﵇ در کربلا بار دیگر به نجف رفت و دوباره برای زیارت ماه رجب به کربلا بازگشت. (ترکمان، ۱۳۷۱: ۱۱۱۰)

شاه صفی (۱۰۳۸- ۱۰۵۲ ق) چهارمین و آخرین پادشاه صفوی که موفق به زیارت عتبات گردید. او که از شم سیاسی و نظامی جد خویش برخوردار نبود وارث سرزمینی گردید که در اوج قدرت بود و بر سراسر عراق عرب حکومت می‌نمود. شاه صفی پس از سه سال جلوس بر تخت سلطنت (۱۰۴۱ ق) به قصد یاری رساندن به سپاهیان مستقر در عراق عرب در برابر تعرض ترکان عثمانی وارد بغداد شد و به زیارت عتبات مشرف گردید. او در آغاز سال نو در کربلا بود، «... ایام نوروز بهجت افروز را در آن بقعه بهشت آسا گذرانیده و خدام عزم طواف عالی مقام و سدنه آن مراقد ملک احترام و ارباب فقر و حاجات را بصلات و نوازشات و تصدقات خوشدل فرموده و از آنجا عزم طواف مرقد مطهر حضرت شاه ولایت مصدوقه کریمه أنما ولیکم الله متوجه نجف اشرف گشته بدان سعادت عظمی مشرف گردیدند». (ترکمان، ۱۳۵۰: ۸۰)

شاه صفی در بغداد نیز از اعتاب مقدس کاظمین و سامرا را زیارت نمود و به‌ویژه ساکنان شهر سامرا را مورد لطف خویش قرارداد. با وجود این شاه صفی نتواست شهرهای مقدس عراق را به‌عنوان ایالاتی از سرزمین ایران حفظ نماید. او در سال (۱۰۴۸ ق) تن به عهدنامه‌ای سپرد که طی آن سراسر خاک عراق از ایران جدا و به امپراتوری عثمانی ضمیمه گشت و پس از آن دیگر هیچ یک از شاهان صفوی به خاک عراق سفر نکرده و موفق به زیارت این اماکن مقدس نشدند.

۳. زیارت عتبات عالیات

تشکیل دولت صفوی و رسمیت یافتن مذهب تشیع در میان مردم ایران در کنار رشد و توسعه اقتصادی و همچنین سرزندگی و پویایی دین و دولت در عصر شاه عباس اول سبب احیاء و رواج سنت زیارت در این زمان گردید. کاروان‌های زیارتی از سراسر ایران به حرکت در می‌آمدند؛ اما مقصد بیشتر آن‌ها زیارت امام رضاؑ در خراسان بود؛ زیرا از یک سو عراق عرب در تسلط ترکان عثمانی بود و سفر به این شهرها خطرات جانی و مالی زیادی داشته و از سوی دیگر دولت صفوی و شخص شاه عباس اول موافق خروج ارز از کشور نبود. تاورنیه که پس از تسلط سلطان مراد چهارم به عراق عرب سفر نموده است، می‌نویسد:

«اگرچه ایرانی‌ها علی را خیلی محترم می‌شمارند؛ اما بندرت به زیارت قبر او می‌آیند؛ زیرا که برای وصول به آن ناچار باید از بغداد عبور نمایند. چون بغداد در تصرف خوانندگار است در آنجا از هر یک از زوار هشت پیاستر دریافت می‌نمودند و این فقره مخالف میل شاه عباس بود که رعایای او به ترک‌ها باج بدهند. به این جهت توجه ایرانی‌ها را از زیارت قبر علیؑ به طرف مشهد معطوف کرد... و بر سلاطین اخلاف شاه عباس هم شاق و ناگوار شد که به رعایای خود اجازه رفتن به زیارت قبر علی را بدهند؛ زیرا که آن باجی را خداوندگار از رعایای آن‌ها می‌گرفت برای خود یک نوع خفت و توهین می‌پنداشتند. علت اصلی که ایرانی‌ها به زینت و تجملات این مسجد نپرداخت‌هاند و خودشان هم کمتر به آنجا می‌رفتند این است...». (تاورنیه، ۱۳۶۶: ۱۶۴)

دولت‌مردان صفوی و در رأس همه آن‌ها شاه عباس اول کوشید تا زیارت مرقد مطهر امام هشتم شیعیان در خراسان را در سطح عام گسترش داده و حتی آن را برای شیعیان برابر با سفر حرمین الشریفین قرار دهند. به این سبب به توسعه و آبادانی آستان مطهر و فراهم‌ساختن امکانات رفاهی زوار آن حضرت را در برنامه‌های مذهبی - فرهنگی خویش قرارداد. او با وقف بسیاری از اموال خود به حرم امام رضاؑ به‌ویژه وقف «کتابخانه شریفه آنچه مصاحف و متن عربی و علمی بود از فقه و تفسیر و حدیث و امثال...» کوشید تا بسیاری از علما را ترغیب و تشویق به سکونت در جوار آن حضرت نماید. (ترکمان، ۱۳۷۱، ج ۳: ۷۶۱) با این وجود شاه عباس می‌خواست که به طور کامل مانع سفر به عتبات گردد؛ زیرا هر چند این سفرها از نظر اقتصادی زیان‌آور بود ولیکن از نظر فرهنگی و مذهبی سودآور و به منافع دولت شاه شیعی کمک می‌نمود.

ورود کاروانی بزرگ با زائرانی شیفته و اندوهناک همراه با تعداد زیادی کجاوه که زنان و سالمندان و بیمارانی را که به امید شفا آمده بودند و معمولاً تعدادی تابوت که اجسادی را از مسافت‌های دور و هزینه‌های بسیار جهت دفن در یکی از اعتاب مقدسه حمل می‌کردند هر انسانی را تحت‌تأثیر قرار می‌داد و با سروصدای بسیاری همراه بود. در واقع تأثیر معنوی این نوع سفرهای زیارتی بسیار بوده به همین علت دولت صفوی در هر زمان و تحت هر شرایطی در عهدنامه‌ها و قراردادهایی که با دولت عثمانی منعقد می‌ساخت آن را مدنظر قرار می‌داد. این زائران پس از بازگشت به ایران مورد احترام هم‌وطنان خود قرار می‌گرفتند و به آن‌ها لقب «کیلائی» یا «کربلائی» یعنی کسی که موفق به زیارت کربلا شده است، می‌دادند. (الوردی، ۱۳۶۹، ج۱: ۱۶۹)

این القاب در کنار القاب متداولی چون «حاجی» و «مشتی» مخفف «مشهدی» یعنی کسی که به

زیارت امام رضاؑ مشرف شده بود قرار گرفت. بالاتر از همه لقب نجفی بود که بیانگر سواد و دانش فرد در فقه تشیع بود و برای کسانی بکار می‌رفت که در این شهر تحصیل می‌کردند و برای فرد صاحب این مقام اجتماعی و شأن دینی خاصی ایجاد می‌نمود. لقب «کاظمی» برای ساکنین و علامی این شهر رواج داشت و لقب «حائری» برای طلاب و عالمان شهر کربلا به کار می‌رفت. (واثقی، ۱۳۹۳: ۱۴۵)

هر چند نمی‌توان نظریه مورخان غربی را پذیرفت که این نوع زیارتگاه‌ها به طور نظری هم‌تراز با زیارت حرمین‌الشریفین شده و در ذهن عامه حتی برتر از آن زیارت است و این امر در نتیجه یک سلسله ارزش‌های سنتی و دین‌دارانه است که بیان خود را در امر زیارت مخصوصاً زیارت مشهد پیدا کرده است. (هیلبراند، ۱۳۸۰: ۳۳۳) اما این خود می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت مسئله باشد. شاه عباس اول پس از فتح عراق عرب کوشید تا زمینه زیارت عتبات عالیات را توسعه بخشد. او کاروان‌سرایی بزرگ نزدیک صحن مقدس امام علیؑ در نجف بنا نمود و مطبخ و محل ضیافت و خوابگاه جهت زوار ترتیب داد و ایرانیان را تشویق به زیارت این اماکن نمود تا از این طریق بتواند رسالت اعتقادی و سیاسی و اجتماعی خود را به انجام برساند.

در اواخر عصر صفوی معتبرترین کتاب در شرح راهنمائی زائران به اماکن مقدس اسلامی به زبان فارسی تألیف شد. «تحفه‌الزائرین» یا هدیه‌ای برای زائران تألیف محمدباقر مجلسی (۱۱۱۰ - ۱۱۳۷ ق) روحانی و مجتهد بزرگ زمان شاه سلطان حسین صفوی است. (دونالدسون، ۱۳۸۳: ۱۵۶) این کتاب شامل یک مقدمه در آداب سفر و دوازده باب است. باب چهارم در بیان فضیلت نجف اشرف و کوفه و آب فرات است و باب پنجم در بیان فضایل زیارت سیدالشهدا حسین بن علیؑ است و در آن چند فصل است. (مجلسی، ۱۲۷۴ : ۱۲۹) علامه محمدباقر مجلسی در این کتاب به نقل از ائمه اطهار زیارت امام حسینؑ را بر هر مرد و زن واجب می‌داند و ۱۶ زیارت برای آن حضرت ذکر می‌کند. باب نهم و دهم کتاب به ترتیب شامل بیان فضیلت مشهد کاظمین و عسکری ؑ است.

در مقابل دولت عثمانی همیشه از توسعه دامنه تشیع در عراق نگران بودند؛ زیرا مذهب تشیع باعث نفوذ واقعی و پیوند تنگاتنگ عراق با حکومت صفوی می‌شد و به هر نحو می‌کوشیدند تا مانع آن گردند و به همین علت زائران عتبات مورد خشم سلطان و حکام ترک در عراق قرار داشتند. هر چند در عهدنامه‌های صلح میان دو دولت عثمانی و صفوی در خصوص فراهم آوردن امنیت و آسایش حجاج و زائران ایرانی را به عراق کنترل می‌کردند. آن‌ها از پراکنده شدن زائران در میان مردم جلوگیری می‌کردند و ایام اقامت آن‌ها در مکان زیارت را محدود می‌ساختند. (درینگیل، ۱۳۸۴: ۲۱) با این وجود دولت عثمانی در مبارزه با تشیع و جلوگیری از ارزش و احترام عتبات موفقیتی به دست نیاورد، زیرا زائران ایرانی در تحت هر شرایطی به عراق سفر نموده و رسالت اعتقادی خود را تا حد امکان به انجام می‌رساندند.

۴. دفن اموات در عتبات عالیات

دفن اموات در جوار ائمه اطهار و بزرگان اسلام آرزوی هر مسلمانی است و احادیث و روایات بسیاری درباره فضیلت دفن در اماکن مشرفه آورده شده است. به‌ویژه نجف اشرف که وادی اسلام و آرامگاه پیامبران بزرگ خداوند است و در اعتقاد شیعیان برای خاک نجف فضایل بسیاری وجود

دارد که مهم‌ترین آن‌ها رفع عذاب قبر و حساب خواستن دو فرشته نکیر و منکر مدفون در آن خاک است. (بلاغی، ۱۳۷۸، ۷۱)

پس از تأسیس حکومت صفوی در ایران و در پی اهداف سیاسی و فرهنگی آن‌ها اعتقادات شیعی در سطح جامعه گسترش یافت. یکی از اعتقادات که مورد حمایت و تأیید روحانیت عصر صفوی قرار داشت مسئله فضیلت و تقدس خاک عتبات بود. علامه محمدتقی مجلسی از روحانیون منتفذ عصر صفوی در این زمینه معتقد است: «چون نقل به ارض مقدسه خوب است پس خوب است که شیعیان امیرالمؤمنین که شیعیان نقل کنند، مردگان خود را به ارض مقدسه اهل‌بیت که آن نجف و کربلای معلا و سایر اماکن شریفه باشد...». (جعفریان، ۱۳۷۹، ج۳: ۱۰۷) کمپفر جهانگرد اروپایی که از نزدیک شاهد احترام و تجلیل شیعیان نسبت به خاک عتبات بود می‌نویسد: «زائران ایرانی قطعاتی از تربت علی را با خود می‌آورند و در نماز از آن استفاده می‌کنند». (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۷۸)

انتقال اجساد به سرداب‌ها، گورستان‌های خانوادگی و قبرستان‌های نزدیک آستان ائمه اطهار﵈ ابتدا در میان پادشاهان، علما و بزرگان دولتی و حکومتی متداول بود و پس از عصر صفوی در میان عامه مردم به‌ویژه ثروتمندان متداول گردید. این امر در بیشتر اماکن مقدس شیعیان در ایران و عراق و به‌ویژه در نجف اشرف موجب پیدایش حرف‌های در این خصوص شد.

گاه اهداف سیاسی و ناکامی‌های نظامی بر این سنت مذهبی و اعتقادی که کم و بیش نزد همه مسلمانان مطرح بود، سایه می‌افکند و آن را تحت شعاع خود قرار می‌دهد. مثلاً خسرو پاشا صدراعظم عثمانی پس از شکست از سپاه قزلباش در سال ۱۰۴۰ ق. چون شنید سنجاق بیک اسکوتاری به سربازان خود وصیت نموده است که در صورت کشته شدن او را در کاظمین نزد قبر امام موسی﵇ دفن نمایند حکم کرد گردن او را بزنند و گفت: «اگر او شیعه نبود این وصیت را نمی‌کرد». (پورگشتال، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۹۴۰)

هر چند در هنگام منازعات امکان فرستادن اجساد به عراق وجود نداشت؛ اما در هنگام حکومت پاشاها بر عراق ظاهراً به علت منافع اقتصادی ناشی از این سنت تا حد امکان برقرار بوده است. لازم به ذکر است که در این زمینه میان زن و مرد تفاوتی وجود نداشته باشد و دیگر آنکه با گذشت زمان و نزدیک شدن به اواخر عصر صفوی و پس از آن بر تعداد کسانی که در کربلا دفن می‌شوند، افزوده شده و سایر اماکن مقدس نیز فضیلتی همانند نجف می‌یابند. از میان شاهان صفوی به احتمال بیشتر محمد خدابنده، شاه طهماسب و شاه عباس اول در عتبات دفن شده است. هنگامی که او در سال ۱۰۰۳ ق. بعد از مدت‌ها خانه‌نشینی در دولت‌خانه قزوین به‌حکم قضای الهی گشته معالجه سودی نداشت و حیات را بدرود گفت و در آستان امامزاده حسین قزوین تدفین یافت و از آنجا به عتبات عالیات عراق برای دفن در جوار حضرت امام حسین﵇ بردند. (هدایت، ۱۳۵۰: ۶۶۹۴- ۶۶۹۳) شاه طهماسب که در مشهد مقدس دفن بود به دستور عبدالمومن خان پادشاه ازبکان نبش قبر گردید. اما جسد او حفظ شده و به دستور شاه عباس اول طی تشریفات مفصلی نعش مبارک پادشاه مرحوم را به کربلا فرستادند. (کمال منجم، ۱۳۴۴: ۱۵۲)

درباره اصل این واقعه تردیدی وجود ندارد؛ اما درباره اینکه تا چه حد آن جسد متعلق به شاه طهماسب بوده است، جای تردید است. زیرا این واقعه به حدی مورد بهره برداری سیاسی و فرهنگی

و مذهبی شاه عباس اول قرار گرفت که تنها به‌صورت یک معجزه درآمده و تنها می‌توان آن را با کشف سالم جسد ابوحنیفه پس از ورود فاتحانه سلطان سلیمان به عراق در سال ۹۴۱ ق. مقایسه نمود. سومین فرد از این سلسله شاه عباس اول است که جمعی از بزرگان گفتند که جنازه او را از فرح‌آباد مازندران که در آنجا از دنیا رحلت نمود در سنه هزار و سی و هشت حمل نمودند به نجف اشرف و در رواق مطهر حضرت امیر تحت قبه عتبه مقدسه درب حرم مطهر سمت پایین پای مبارک دفن گردید. (خراسانی، بی تا: ۱۷۶)

بعدها این نظریه از سوی بعضی از محققان ایرانی و عرب همچون مؤلف موسوعات العتبات المقدسه و موسوعه النجف الاشرف پذیرفته شد. (الدجیلی، ۱۴۱۳: ۱۳۶) اما در واقع این آرزوی شاه عباس اول بود که به احتمال زیاد تحقق نیافت. اسکندر بیک ترکمان مورخ شاه عباس اول می‌نویسد: «آن جنازه را در پشت مشهد بیرون کاشان که مدفن امامزاده عالی‌مقداری است موسوم به حبیب بن موسی به امانت گذاشتند که انشاالله به یکی از اماکن مشرفه و آستانه متبرکه نقل شود» (ترکمان، ۱۳۷۱: ۱۰۷۸- ۱۰۷۹).

هر چند امانت‌گذاشتن اجساد و سپس انتقال آن به یکی از اعتاب مقدس در زمان صفوی امری متداول بود و در مورد عباس اول هم قصد بر همین امر بوده است. اما احتمالاً به علت شدت گرفتن آتش جنگ میان دو دولت صفوی و عثمانی آن همه بلافاصله پس از فوت شاه عباس اول و سرانجام انتزاع عراق عرب از ایران و همچنین به علت نفرت و کینه سران دولتی و نظامی ترک از شاه عباس اول انجام این امر غیرممکن بوده و هیچ‌گاه عملی نگردیده است. به نقل از منجم یزدی، «جسد مطهر این شاه در آرامگاه حرم منوره معصومه مدفون گردید». (کمال منجم، ۱۳۴۴: ۷۹) پس از شاه صفی دیگر شاهان صفوی در آستان حضرت معصومه دفن گردیدند.

همچنین بسیاری از بزرگان و علما عصر صفوی نیز در عتبات مقدس دفن شدند که دو نفر از آن‌ها بزرگ‌ترین و مشهورترین عالمان مذهب تشیع در عصر خود بودند. که پس از فوت انتقال داده شدند. علی بن حسین عبدالعلی کرکی معروف به محقق ثانی و محقق کرکی که از جبل‌عامل لبنان بود، سپس به نجف هجرت کرد. او در آنجا در محضر علمای بزرگ شیعه به تحصیل پرداخت و در ترویج مذهب تشیع کوشش بسیار نمود. او مدتی به ایران آمد و در اواخر عمر به نجف بازگشت و پس از فوت در نجف دفن گردید. (حسینی قمی، ۱۳۵۹: ۲۴۶- ۲۴۷) عالم دیگر محمدباقر استرآبادی معروف به میرداماد عالم و فیلسوف بزرگ عصر صفوی است که نزد شاه عباس اول بسیار محترم بود. او در دوره پادشاهی شاه صفی ما بین کربلا و نجف فوت نمود و به دستور شاه صفی جنازه‌اش را به نجف اشرف انتقال دادند و در آن عتبه عالیه دفن نمودند. (غفاری، ۱۳۸۱: ۳۹)

پس از فوت شاه عباس اول و تسلط اهل‌سنت در عراق عرب از انتقال اجساد به عتبات به نحو وسیعی کاسته شد. شاردن که در زمان شاه سلیمان صفوی از ایران دیدن می‌نمود می‌نویسد:

«ایرانیان برای تدفین پادشاهان خود شهر قم و کاشان و مشهد و اردبیل را بر سایرین ترجیح می‌دهند». (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۲۹) در اسامی شهرهایی که شاردن آورده است نامی از نجف و کربلا دیده نمی‌شود. شاردن در ادامه مطالب خود می‌افزاید: «شیعیان در میان ائمه بر امام رضا بیش از همه احترام می‌گذارند و همیشه نام او را بر زبان دارند و دفن شدن در جوار او را آمرزش می‌پندارند،

چه عقیده عامه این است که هر کس در جوار معصوم یا یکی از اولیای مذهب دفن بشود در حمایت اوست». (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۲۸)

۵. اقدامات عمرانی صفویان در عتبات

آثار هنر و معماری ایرانیان که نشان از عشق و علاقه شیعیان نسبت به ائمه اطهار است، با شروع سلطنت صفویان در ایران و عراق به اوج خود رسید و همه اماکن مقدس شیعیان را در نجف، کربلا، سامرا و کاظمین را دربر می‌گیرد. بعضی از این آثار معماری و اقدامات عمرانی به حدی زیبا و با شکوه است که امروز در ردیف بزرگ‌ترین و زیباترین آثار تاریخی و معماری سرزمین عراق عرب محسوب می‌شود و در واقع معماری عراق پس از عصر صفوی تحت‌تأثیر سبک معماری ایرانیان قرار می‌گیرد. (هیلبراند، ۱۳۸۰: ۴۷۳)

اعتاب مقدس عراق در عصر پادشاهی صفویان جبران بسیاری از ویرانی‌های ناشی از غفلت‌ها و منازعات پی‌درپی گذشته را نموده و آبادانی و رونق بی‌نظیری در تاریخ خودیافت به‌گونه‌ای که موردتوجه عامه مردم و به‌ویژه شیعیان دور و نزدیک قرار گرفت. متأسفانه این آثار هنری و معماری که نشان از فرهنگ و تمدن جهان اسلام داشته به علت تعصبات مذهبی و کوته‌فکری سرداران و سلاطین زمان در طول تاریخ مورد تعرض و غارت بسیار قرار گرفته و بسیاری از آن‌ها آسیب‌های جبران‌ناپذیری دیده‌اند. تاورنیه در سفرنامه خود می‌نویسد: «برای این که پیروان محمد ﷺ نمی‌خواهند داخل مساجد پیروان علی ؑ بشوند و همین‌طور این‌ها هم داخل مساجد آن‌ها نمی‌شوند. ایرانی‌ها و عثمانی‌ها هر وقت فتح نصیب هر یک بشود مساجد دیگری را خراب می‌کنند». (تاورنیه، ۱۳۶۶: ۵۵)

هر چند سخن تاورنیه در مورد مساجد چندان پذیرفته نیست و جای تردید و تأمل بیشتر دارد، اما درباره آستان و قبور پیشوایان مذهبی آن‌ها کاملاً قابل‌قبول است و متأسفانه این گونه افکار و تعصبات تا سال‌های اخیر هم ادامه یافته که بر اثر آن بسیاری از شاهکارهای هنری و معماری عصر جلایری و صفوی از بین رفته است.

آثار معماری و اقدامات عمرانی سلاطین صفوی در بعضی از عتبات مقدس عراق کاملاً بنیادی بوده و به علت ضرورت، اصل معماری بنا را از کف تا آخر در بر می‌گیرد. مثل مشهد کاظمین در عصر شاه اسماعیل اول. اما در بعضی دیگر تنها شامل تزیین و تعمیرات جزئی می‌شود. همچنین اکثر این تعمیرات توسط شاه اسماعیل اول آغاز و در زمان عباس اول به اوج خود رسیده و پس از آن تکامل‌یافته است که در اینجا به معرفی و شرح جزئی از این آثار هنری و اقدامات عمرانی در عتبات می‌پردازیم.

۵-۱. اقدامات عمرانی در نیمه اول حکومت صفویان (۹۰۷- ۱۰۳۷ ق)

بنیان‌گذار صفویه پس از زیارت عتبات (۹۱۴ ق) همه آن‌ها را با زیباترین و نفیس‌ترین فرش‌های ابریشمی ایرانی مفروش ساخت. و پرده‌های زرین و قندیل‌های طلا و نقره جهت تزیین و روشنایی حرم‌های مطهر تقدیم نمود. نخستین بار در طول تاریخ بود که عنصر طلا به منظور

تزیین و تجلیل از اعتاب مقدس ائمه اطهار به کار بردند و پس از آن به طور گسترده‌ای رواج گرفت. شاه اسماعیل دستور داد «... که نجاران هنرمند و مهندسان خاتم بند از اطراف ممالک محروسه در بغداد جمع آمده، شش صندوق منقش به نقوش اسلامی و ختائی در غایت تکلف و زیبایی ترتیب دهند و صنادیق قدیم را از آن مرقد عطر پاش برداشته، صندوق‌های مجدد را به جای آن نهند». (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۴۹۶)

عباس‌العزاوی در اثر خود می‌نویسد: شش صندوقی که در نهایت دقت و ابداع ساخته شد و به عتبات مقدسه گسیل داده شد، یکی از آنان را به آستان حسینی و دومی به آستان حضرت عباس اهداء شد. (العزوای، ۱۹۳۹ : ۳۳۵) ساخت این صندوق‌ها که هر کدام یک گنجینه و شاهکار هنری محسوب می‌شود و در زمان حیات شاه اسماعیل به پایان نرسید و پس از فوت او در سال ۹۳۲ ق. اتمام پذیرفت. همچنین به دستور شاه اسماعیل دور هر یک از عتبه کعبه مرتبه نقاره‌خانه و راتبه ماخور ساختند و از برای آبادانی خطه طیبه عرش مرتبه نجف اشرف مبالغه فرمودند. (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۴۹۷) و در آن نقاره‌خانه‌ها هر روز صبح و عصر به انجام مراسم می‌پرداختند. همچنین شاه اسماعیل قصد داشت تا آب را از فرات به نجف بیاورد تا هم آسایش زوار و مردم شهر نجف را فراهم سازد و دیگر آنکه در میان مردم شهرت داشت که هر زمان آب فرات به نجف رسد امام‌زمان مهدی موعود (عج) ظهور خواهد نمود. (جمالی، بی‌تا: ۲۴۶) به این جهت قاضی جهان را که از معماران و مهندسان بزرگ عصر او بود به این امر مهم مأمور گرداند. قاضی جهان موفق شد تا آب رودخانه فرات به چهار فرسخی نجف اشرف برساند و «مبلغ دو هزار تومان خرج آن نهر کثیر الفائده شده و محصولات کلی از آن به هم رسید». (عبدی بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۲۱۱- ۲۱۲)

اما بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین اقدامات عمرانی شاه اسماعیل شامل آستان کاظمین﵇ گردید؛ زیرا این عتبه مقدس آستان کاظمین بر اثر طغیان رود دجله و غفلت‌های زمان گذشته و قرارداشتن در کانون منازعات فرق‌های ویران شده بود. (آل یاسین، ۱۳۷۱: ۶۲- ۶۳) و از سوی دیگر شاهان صفوی که خود را از نوادگان امام موسی کاظم﵇ معرفی می‌نمودند به این عتبه توجه خاصی داشتند، به‌ویژه که جنبه تبلیغی آن بسیار بود.

شاه اسماعیل در ۲۵ جمادی الثانی ۹۱۴ ق. آستان کاظمین را زیارت و دستور داد تا عمارت آستان را از بنیاد خراب و عده‌ای از مهندسان و معماران را از شهرهای اصفهان، قزوین و دیگر شهرهای ایران فراخوانند تا عمارت از پیش طراحی شده و طیبایی را از نو بنا نمایند. این تجدید عمارت بیست و یک سال به طول انجامید و در زمان شاه طهماسب اول در سال ۹۳۵ ق. پایان یافت. این بازسازی شامل ساخت دو گنبد جداگانه، توسعه حرم، کاشی کاری دور دیوار داخلی روضه و دیوارهای بیرونی آن که دارای آیاتی از قرآن بود، سنگ فرش رواق‌ها با سنگ مرمر، ساخت مسجد بزرگی در سمت شمال حرم، که به مسجد صفوی مشهور شد و انتقال کاروان‌سرایی که در داخل صحن بود به بیرون و پست صحن تزیین حرم با فرش‌های نفیس و قندیل‌های طلا و نقره، ساخت دو گلدسته بسیار زیبا و برداشتن صندوق‌های قدیمی و نصب دو صندوق چوبی خاتم کاری به جای آن‌ها بود. (آل یاسین، ۱۳۷۱: ۶۲- ۶۳)

لازم به ذکر است که صندوق متعلق به حضرت جواد از نظر فن خاتم‌کاری و منبت‌کاری بسیار

زیباست به‌قدری ریز و پرکار است که شاهکار آن با چشم غیر مجهز دیده نمی‌شود. (عمادزاده، بی‌تا: ۱۱۸) همچنین کتیبه‌ای در قسمت بیرونی دیوار رواق شرقی آستان کاظمین﵇ وجود دارد که بر روی آن سال تعمیر آن را بیان کرده است. (آل یاسین، ۱۳۷۱: ۶۵) نقل شده است که شاه اسماعیل اول پس از زیارت حرم عسگریین در سامرا «... به آن آستان عرش نشان، قالی رنگین و فرش‌های الوان انداخته به فراشی و خدمت آن مکان تفاخر می‌نمودند...». (جهانگشای خاقان،۱۳۵۵: ۲۸۹).

تنها یک دهه پس از مرگ او در سال ۹۳۰ ق. با جدایی عراق عرب از حکومت صفوی آن اماکن تحت سلطه عثمانی قرار گرفت. اما با وجود تمام موانعی که این دولت ایجاد کرده بود و در هر فرصتی ممکن اقدامات عمرانی در عتبات ادامه یافت. زحمات و اقدامات خیرانه شاه اسماعیل اول پس از او توسط فرزندش شاه طهماسب اول ادامه یافت.

در سلطنت شاه طهماسب اول، نوبت آستان مطهر کربلا بود تا بازسازی شود. شاه طهماسب تعمیرات گسترده‌ای در حرم امام حسین﵇ آغاز نمود. مناره العبد یا مناره مرجان که بلندترین و باشکوه‌ترین مناره در تمام اعتاب مقدس عراق به شمار می‌آمد، پس از دو قرن در سال ۹۸۲ ق. به دستور شاه طهماسب صفوی بار دیگر تعمیر و تزیین گردید. همچنین بخش شمالی صحن مرقد امام حسین﵇ توسط او ساخته شد. همچنین شاه طهماسب در جهت بهبود شرایط اقتصادی شیعیان کربلا و آسایش حال زائران دستور حفر نهری از سوی رودخانه فرات به‌سوی کربلا و آستان حسینی را داد که به نهر «طهماسیه» معروف شد. (اوتر، ۱۳۶۶: ۶۶؛ کلیددار، ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۴)

یکی دیگر از اعتاب مقدس شیعیان در عراق که ظاهراً در عراق موردعلاقه و عنایت خاص شاه طهماسب اول بود آستان مطهر حضرت ابوالفضل در کربلا است. به دستور او هر اقدام عمرانی و زیباسازی که در حرم امام حسین﵇ انجام شد و یا در حال انجام بود شامل حرم ابوالفضل نیز گردید. به این ترتیب بنای رواق و صحن حرم توسعه یافت و حرم با زیباترین و نفیس‌ترین فرش‌های ایرانی مفروش گردید. (آل طعمه، ۱۳۷۳: ۴۲)

۲-۵. اقدامات عمرانی در نیمه دوم حکومت صفویان (۱۰۳۷- ۱۱۳۷ ق)

از هنگام ورود شاه اسماعیل اول به سرزمین عراق عرب، تا زمانی که شاه عباس اول (۹۹۶- ۱۰۳۸ ق) موفق به ورود پیروزمندانه‌اش به آنجا گردید، حدود یک قرن می‌گذشت. عباس اول در سال ۱۰۳۲ ق. در اوج قدرت سیاسی و نظامی قرار داشت و با موفقیت سپاه عثمانی را در همه جبهه‌ها شکست داد و آنان را عقب راند؛ دیگر دلیلی وجود نداشت که او سیادت عثمانی را بر اعتاب مقدس شیعیان بپذیرد. پس با توجه به مشکلات دولت عثمانی و فترت حاصل از عدم وجود حکومتی مقتدر در عراق عرب، به‌قصد زیارت آستان حضرت امیرالمؤمنین در سال ۱۰۳۲ ق به سمت عراق حرکت نمود و موفق به فتح آن گردید.

با ورود شاه عباس اول به عراق عرب بار دیگر بازسازی و ساخت‌وساز در عتبات شاهد یک مرحله رشد و شکوفایی سریع گردید. با توجه به علاقه و تمایل شدید شاه عباس به امیرالمؤمنین و آستان آن حضرت در نجف طبیعی بود که بیشتر توجهات به‌سوی این منطقه جذب گردد. در واقع بنای اصلی نجف توسط او گذاشته شد و در جای‌جای آن آثاری و یاد و خاطره‌ای از این شاه بزرگ دیده

می‌شود. این طرح که توسط شیخ بهایی به انجام رسید، حرم مانند نگینی است که در داخل صحن قرار گرفته است. اطراف حرم را با رواقی به عرض دوازده زراع و اطراف آن رواق را حجرات ساخته‌اند و درهای بسیار نفیسی از هنر خاتم‌کاری بر آن‌ها نصب نمودند. قبه حرم تجدید بنا و با کاشی زمردی منقوش و آراسته گردید و چهار طرف داخل قبه را چهار ایوان شاه نشین قرار دادند، چهار ایوان حرم را با سنگ مرمر تزیین نمودند و در چوبی قدیمی حرم را برداشته و دری از نقره بر جای آن قرار دادند. (هنرفر، ۱۳۵۵: ۴۲۰؛ آقاسید عبدالله، ۱۳۷۹: ۶۰-۶۱)

دو مناره عظیم در سمت چپ و راست آن درب نقره در ایوان حرم بنا گردید، همچنین دو حوض‌خانه جهت وضوگرفتن زائران و کاروان‌سرایی بزرگ نزدیک صحن، اما بیرون ازآن‌جهت اقامت و استفاده زوار بنا شد و همچنین دارالشفاء، مطبخ نیز در جهت آسایش زائران دور و نزدیک ساخت. (آقا سید عبدالله، ۱۳۷۹: ۶۰-۶۱)

ناصرالدین‌شاه قاجار در سفرش به عتبات در سال ۱۲۸۷ ق. در زیارت از حرم حضرت علی﵇ می‌نویسد: «فرش‌های ابریشمی قالی که صفوی یعنی شاه عباس انداخته است و رقم هم دارد، مثل این است که امروز از کارخانه درآمده است». (ناصرالدین شاه قاجار: ۱۲۶) پس از آن شاه عباس اول دستور داد تا ضریح‌های فولادی با شکوهی ساخته شود که بر روی هر یک از صندوق‌های ساخته شده زمان شاه اسماعیل اول در کربلا، کاظمین، سامرا قرار گیرد و همچنین دستور تعمیر و کاشی کاری آستان مطهر امام حسین﵇ را صادر نمود. (کلید دار، ۱۳۶۷: ۱۹۳)

پس از فوت شاه عباس اول اقدامات عمرانی در عتبات توسط نوه و جانشین او شاه صفی ادامه یافت. زیرا ظاهراً گنبد حرم امیرالمؤمنین بر اثر منازعات پی‌درپی و آتش توپخانه‌های دشمن شکست یافته بود. «اندرون حرم مطهر بسیار تنگ و در هنگام زیارت و ازدحام زائران مرقد مطهر، بر زوار بغایت دشوار بود و سکنه نجف اشرف نیز از آبی که آب شیرین از دو فرسخ راه می‌بایست آورد، تعب و تشویش بسیار می‌کوشیدند و مردم عاجز فرومایه را هر روز مبلغی به قیمت آب می‌بایست داد در این وقت رأی صواب نمای اشرف بدان متعلق گردید». (ترکمان، ۱۳۷۱: ۹۴)

شاه صفی دستور داد تا بعضی از جوانب صحن حرم را خراب کرده و دوباره توسعه بخشند و بنا نمایند و برای هر چه‌بهتر انجام‌شدن این کار میرزا تقی مازندرانی صدراعظم خود را مأمور نظارت بر این امر مهم نمود. میرزامحمد مازندرانی معروف به سارو تقی، معروف‌ترین معماران و مهندسان فن را از سراسر کشور جمع آورده و آن‌ها در طول سه سال آستان امیرالمؤمنین را تجدید بنا کردند. تاکنون شاه اسماعیل اول و شاه عباس اول برای آوردن آب از رودخانه فرات به نجف کوششی نموده بودند؛ اما اقدامات همه آن‌ها موقتی و بلافاصله پس از آن‌ها بی‌ثمر مانده بود. اکنون نوبت شاه صفی بود تا با توجه به نیاز شهر نجف و زائران این آستان مقدس، تلاش خود را در این زمینه بنماید. او دستور داد تا نهر عمیقی از حدود حله به‌سوی مسجد کوفه و تا دیار نجف وصل نمایند و به‌وسیله قنات تا داخل شهر آورده و به‌وسیله دولاب آب را بر روی زمین جاری و به آستان مطهر برسانند. شاه صفی اعتماد الدوله و میرزا تقی مازندرانی سرانجام موفق شدند تا در سال ۱۰۴۲ ق و در عرض شش ماه آب را از شط فرات به نجف برسانند. (ورسی، ۱۳۷۵: ۷۳)

شاه صفی عتبه کاظمین را که بر اثر طغیان رودخانه دجله در سال ۱۰۴۲ ق. آسیب دیده بود،

تعمیر نمود. به دستور او در سال ۱۰۴۵ ق. اصلاحاتی در حرم کاظمین صورت گرفت و گلدسته‌های بزرگ حرم تعمیر و محکم گردید. (آل یاسین، ۱۳۷۱: ۸۰) شاه صفی آستان عسگریین﵇ را نیز موردتوجه قرارداد و به دستور او این حرم بازسازی و مورد رسیدگی و نظارت بیشتر قرار گرفت. (ترکمان، ۱۳۷۱: ۸۱)

اقدامات عمرانی در عتبات پس از استیلای سلطان مراد چهارم بر عراق عرب و تفکیک این سرزمین از خاک ایران در سال ۱۰۴۸ ق. تا حد زیادی دچار رکود و حتی در برهه‌هایی از زمان متوقف گردید. تنها پس از بهبود روابط سیاسی و کاسته شدن از حساسیت‌های سیاسی و مذهبی بود که اقداماتی هر چند جزیی صورت گرفت. تنها استثنا در این مورد بازسازی و تجدید عمارت مشهد عسگریین در اواخر عصر صفوی و توسط شاه سلطان حسین است. هر آنچه شامل آستان عسکریین شده بود در حد اقدامات جزیی و روبنایی بودند زیرا برادران شرلی که در اوایل حکومت شاه عباس اول از شهر سامرا دیدن می‌کنند آن را شهری که بسیار خراب شده معرفی می‌نمایند. (شرلی، ۱۳۶۲: ۶۳)

احتمالاً دلیل این غفلت سلاطین، بزرگان و متدینین صفوی نسبت به آستان سامرا، موقعیت جغرافیایی و شرایط اجتماعی حاکم بر این شهر بوده است. زیرا بیشتر جمعیت این شهر را قبایل سنی مذهب تشکیل می‌دادند که انجام اقداماتی گسترده در این زمینه می‌توانست از سویی سبب تحریک و همکاری و پیوند آن‌ها با عثمانی گردد و از سوی دیگر احتمال تجاوز آن‌ها به حرم مطهر و غارت و جسارت به آن‌ها نسبت به آن را سبب گردد. چرا که هنگامی که در سال ۱۱۰۶ ق. فتنه بزرگی در شهر سامرا به راه افتاد و از سوی باب عالی اکثر شیعیان این شهر قتل‌عام شدند و عتبه عسکریین را آتش زده و همه چیز را سوزانیدند؛ بنابراین نیاز به یک بازسازی بنیادی در آن امری الزامی شد. هنگامی که این خبر در اصفهان به شاه سلطان حسین، پادشاه صفوی رسید او که توانایی اعتراض و مبارزه جدی با این عمل زشت را نداشت تنها تعدادی از علما را به سامرا فرستاد تا به مراسم نوحه‌خوانی بپردازند. پس اجازه بازسازی و تعمیر آستان مطهر را از دولت عثمانی گرفت. حرم و رواق دوباره سنگ‌فرش و ضریح و چهار صندوق برای حرم ساخت که دو صندوق آن برای قبر دو امام و دو عدد دیگر برای قبر نرجس خاتون مادر امام‌زمان﵇ و حکیمه خاتون دختر امام بود. همچنین ضریحی از فولاد ساخته که اسم سلطان شاه حسین بر در آن نوشته شده است و بر روی صندوق‌ها قرارداد و این آستان مطهر را تا حد امکان بازسازی شد. (قائدان، ۱۳۸۳: ۲۰۱)

میر مصطفی تفریشی نقل می‌کند؛ چون شاه سلطان حسین صفوی ضریح و صندوق منور را ساخت آن‌ها را با عده زیادی از علما و اعیان به سامرا فرستاد و در روز ورود و نصب جشنی شایان گرفته شد و خطبا و شعرا در فضائل اهل‌بیت﵈ خطبه‌ها خواندند. (مهدوی، ۱۳۵۰: ۱۴۹) ژان اوتر طبیب نادرشاه افشار که حدود یازده سال پس از سقوط سلسله صفوی و در سال ۱۱۴۶ ق. به شرق سفر می‌نمود و در وصف شهر سامرا می‌نویسد: «شهر سامره در این نزدیکی‌هاست که شاهان صفوی هدایایی به آن تقدیم داشته و ساختمان‌های زیبایی در آن بنا کرده‌اند. تقدیمی‌ها گاهی مبالغ هنگفتی ارزش داشته است...». (اوتر، ۱۳۶۶: ۶۶)

نتیجه‌گیری

سلاطین صوفی صفوی که در راستای اهداف سیاسی و نظامی خود، مذهب را وسیله قرار داده بودند از هیچ اقدامی برای گسترش مذهبی تشیع خودداری نمی‌کردند. قلع و قمع اهل‌تسنن، تخریب مقابر ابوحنیفه و عبدالقادر گیلانی در مقابل ترغیب و تشویق سفرهای زیارتی، تخصیص مبالغ هنگفت جهت صرف در مراقد ائمه در نجف، کربلا، سامرا، کاظمین و حمایت و دعوت از علمای شیعه، بخشش و انعام به شیعیان و متولیان و مجاوران اماکن مقدس، برپایی مراسم عزاداری در ماه‌های رمضان و محرم، فرستادن داعیان به نواحی مختلف و تعیین مقامات اداری و مذهبی جهت حفظ منافع سیاسی و مذهبی دولت همه در جهت گسترش مذهبی تشیع در ایران و عراق عرب صورت می‌گرفت، تا سدی در برابر ترکان سنی‌مذهب باشد.

سفرهای زیارتی شاهان صفوی که از آغاز تأسیس این سلسله آغاز شده بود در نتیجه پویایی و تحرک فوق‌العاده شاه عباس اول به اوج خود رسید. شاه عباس اول ضمن آنکه خود مرتب به زیارت اماکن مقدس ایران به‌ویژه عتبه مطهر امام رضاؑ می‌رفت، سایرین را نیز به این امر تشویق می‌نمود و در واقع او بود که فرهنگ زیارت را در جامعه شیعه ایران احیاء و رایج نمود و به این طریق سبب جنبش و پویایی مذهب تشیع، بهبود وضع عالمان دینی، رونق اقتصادی و تجاری شهرهای مذهبی، گسترش سنت وقف، بهبود راه‌ها و ساخت کاروان‌سرا گردید. سفرهای زیارتی او با پای پیاده به حرم امام رضاؑ مشهور است. هر چند بیشتر سفرهای زیارتی او در غرب و شرق با انگیزه‌های نظامی و برای دفع معاندان ترک و ازبک در این مناطق همراه بوده است؛ اما اکثر آن‌ها جلوه و شکوه مذهبی بر خود گرفته است. پس از فوت شاه عباس به علت کاهش فعالیت‌های نظامی، انگیزه سفرهای زیارتی هم کم شد و خوشگذرانی در حرم‌سرا در کنار رکود اقتصادی کشور تا حد زیادی از میزان سفرهای زیارتی کاست.

کتاب‌نامه

عبدالله، آقا سید (۱۳۹۷). ***لولو صدف فی التاریخ النجف***. بی جا: مهربان.

آل طعمه، سلمانهادی (۱۳۷۳). ***میراث کربلا***. ترجمه محمدرضا صابری. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

آل یاسین، شیخ محمدحسن. (۱۳۷۱). ***تاریخ حرم کاظمین***. ترجمه غلامرضا اکبری. مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا.

ابن القولویه القمی، ابی القاسم جعفر بن محمد بن جعفر (۱۳۸۴). ***کامل الزیارات***. ترجمه سید محمدجواد ذهنی. تهران: پیام حق.

اوتر، اوژن (۱۳۶۶). ***سفرنامه***. ترجمه علی اقبال. تهران: جاویدان.

پورگشتال، یوزف فون‌هامر (۱۳۶۷). ***تاریخ امپراتوری عثمانی***. ترجمه میرزا زکی علی‌آبادی، تهران: زرین.

تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۶). ***سفرنامه***. ترجمه ابوتراب نوری. اصفهان: کتاب‌فروشی تأیید.

ترکمان، اسکندر بیک (۱۳۷۱). ***ذیل تاریخ عالم آرای عباسی***. تصحیح سهیلی خوانساری. تهران: اسلامیه.

ترکمان، اسکندر بیک (۱۳۵۰). ***عالم آرای عباسی***. تصحیح ایرج افشار. تهران: گلشن.

جعفریان، رسول (۱۳۷۹). ***صفویه در عرصه دین و فرهنگ و سیاست***. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ناشناس (۱۳۵۵). ***جهانگشای خاقان***. تصحیح الله دتا مضطر. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

الحسینی القمی، احمد بن شریف (۱۳۵۹). ***خلاصه التواریخ***. تصحیح احسان اشراقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

خراسانی، محمدهاشم (بی‌تا). ***منتخب التواریخ***. تهران: نشر کتاب‌فروشی علمیه اسلامیه.

الخلیلی، جعفر (۱۴۰۷). ***موسوعات العتبات المقدسه***. بیروت: الاعلمی للمطبوعات.

خواندمیر، غیاث‌الدین همام (۱۳۳۳). ***حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر***. تهران: خیام.

الدجیلی، جعفرهادی (۱۴۱۳). ***موسوعه النجف الاشرف***. بیروت: دارالضواء.

درینگیل، سلیم (۱۳۸۴). «مبارزه با تشیع در عراق در دوران عبدالحمید دوم». ترجمه نصرالله صالحی. ***فصل‌نامه نامه تاریخ‌پژوهان***، سال اول شماره ۸.

دونالدسون، دوایت (۱۳۸۳). «کربلا مهم‌ترین زیارتگاه شیعی». ترجمه عباس احمدوند. ***فصل‌نامه تاریخ اسلام***. سال پنجم شماره ۱۹.

رنجبر، محمدعلی (۱۳۸۲). «سفرهای زیارتی شاهان صفوی». ***فصل‌نامه تاریخ اسلام***. سال چهارم شماره ۱۶.

شاردن، ژان (۱۳۸۴). ***سفرنامه***. ترجمه محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.

شرلی، آنتونی (۱۳۶۲). ***سفرنامه برادران شرلی***. ترجمه آوانس تهران: نگاه.

عبدی بیک شیرازی، علی (۱۳۶۹). ***تکمله الاخبار***. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: نی.

العزاوی، عباس (۱۹۳۹). ***تاریخ العراق بین احتلالین***. بغداد: مطبعه الفضیحه الاهلیه.
عمادزاده، حسین (۱۳۲۷). «تجلیات روح ایرانی در دنیای اسلامی». ***اطلاعات ماهیانه***. شماره ۸.
غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳). ***تاریخ جهان‌آرا***. تهران: حافظ.
قائدان، اصغر (۱۳۸۳). ***عتبات عالیات عراق***. تهران: مشعر.
کاظمی، مریم (۱۳۸۹). «نجف در عصر شاه عباس اول». ***فصل‌نامه تاریخ‌پژوهان***. سال ششم شماره ۲۱.
کلیددار، عبدالجواد؛ محمدحسین، مصطفی (۱۳۶۷). ***مدینه الحسین او مختصر تاریخ کربلا***. بغداد: النجاح.
کمال، منجم (۱۳۴۴). ***تاریخ ملاکمال***. تصحیح ابراهیم دهگان. اراک: چاپخانه فروردین.
کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰). ***سفرنامه***. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: انتشارات خوارزمی.
مجلسی، محمدباقر (۱۲۷۴). ***تحفه الزائرین***. تهران: بی نا.
مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۵۰). ***تاریخ روابط خارجی ایران***. تهران: امیرکبیر.
میر خواند، محمد خاوند شاه (۱۳۷۳). ***روضه الصفا***. تهران: علمی.
ناصرالدین‌شاه (۱۳۷۲). ***شهریار جاده‌ها***. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
واثقی، حسین (۱۳۹۳). ***ذخائر الحرمین شریفین***. قم: بوستان کتاب.
وردی، علی (۱۳۶۹). ***لمحات الاجتماعه من تاریخ العراق***. بغداد: مطبعه الارشاد.
ورسی، محقق (۱۳۷۵). ***نجف اشرف در ادوار زمان***. مشهد: محب.
هدایت، رضا قلی خان (۱۳۸۰). ***روضه الصفا***. تصحیح جمشید کیان فر. تهران: اساطیر.
هنرفر، لطف‌الله (۱۳۵۵). ***گنجینه آثار تاریخی اصفهان***. اصفهان: کتاب‌فروشی ثقفی.
هیلنبراند، رابرت (۱۳۸۰). ***تاریخ ایران کمبریج***. ترجمه یعقوب آژند. تهران: جامی.

فصلنامه علمی مطالعات فلسفی و کلامی